

باز خلق

شماره دهم

سال اول

پنجشنبه ۱۲ ثور ۱۳۳۰

قانون مکافات و مجازات ضامن سعادت خلق است!

بشر در تمام کره زمین بشر است - همین مخلوق دوپا که معجون مرکبی از نمکی و بدی - خوبی و زشتی - صفات ملکی و شیطانی است - ربع مسکون را اشغال کرده و در هر جا تقریباً دارای صفات و مشخصات مماثل و هم مانند است - صرف امروز این قدر فرق دارد که در بعضی گوشه های دنیا مردم تربیه دیده - با عیوب خود خوب فهمیده - بحق وقانون و احترام حقوق دیگران و وجایب ملی خود آشنا گشته اند - اما ما در زیر فشار و استبداد و دسایس گوناگون استعمار و استثمار فاقد فضایل شده و مسا ذمیمه و ناسایسته را اتخاذ کرده ایم - ولی این خصایص و صفات طبیعت و فطرت ما نبوده و طوریکه تجارب بشر در همه دنیائات نبوده است با تربیه و تبلیغ و دلسوزی اصلاح می شویم - اما روی سخن ما این موضوع است که همین معجون مرکب را که انسان تمام داده اند چرا در سایر ممالک کار کرده - صداقت و فعالیت نموده - کاشف و مخترع گشته - با آسمان پرواز کرده - در داخل خاک خود بحق خود و هموطنان خود احترام نموده و مجسمه حیات و حرکت بوده ولی درین گوشه دنیا برای هیچ کار نفع صالح پیدا نشده - داد قحط الرجالی همه آسمان رسیده آنهاست که چونکی ها را اشغال کرده اند کار نکرده و یا توان کار بیشتر را نداشته و اگر کاری هم می نمایند منافع شخصی خود را اول بهسهار کوچک باشد بر منافع بزرگ ملی ترجیح داده - روح تجری و تنبلی در ما مرده - مانند خزندگان پسته در روی خاک خزیه - خرو اشتر هم برای ما از تمامی بزرگ خداوندی حساب شده - بحق خود را ندانسته - و بحق هیچ کس هم احترام نکرده و کالبد مرگ و نمونه مسکنت و ذلت و بدبختی هستیم - همه اینها بحقیقه بنده فقط و فقط یک علت دارد و آن نبودن قانون مکافات و مجازات است - گفتیم که روح حیات بشر تقریباً در همه جهان یک رنگ است و هر فرد بمنفع شخصی تمایل داشته و بقیه در صفحه ۴

تاریخ یعنی چه ؟

شاغلی محمودی! در یکی دو مقاله تان خواندم و در جنت دین مصاحبه تان شدم که شما تصفیه حساب ماضی را به تاریخ محول می نمائید و باین عقیده خود هم کمال استواری دارید البته اگر تاریخ را از نگاه اهمیت و اعتبار تاریخ در حیات بشر بنگریم شما حق بجانب هستید زیرا تاریخ مجموع حقایق مثبتی است که سباهی و سفیدی هر انسان را در تمام ادوار زندگی کماهو حقه بدسترس و مطالعه و قضاوت اهلای نوع ان قرار میدهد و یا بهاره دیگر اینست که کمتر میتوان نقش ریا را دران یافت - ولی آنچه مرا پشیمان اینست که اکثر اشخاص بمفهوم حقیقی تاریخ مقید بوده و بان وقعی میدهند - ملی ما که له الحدیث مسلماتهم و از وعده و وعید خداوند انکار نداریم و بتمام اوا مرو تواریخ ان احترام می کنیم خوب میدانیم که در برابر هر شهین الهی جزائی موجود است مثلا بر تکب دزدی - رشوه - قتل نفس ... جزای مبینی وجود دارد - خلاصه اگر دروغ گفتیم - خیانت کردیم - بخدعه و ریا پر داختیم و حقوق مشروع اهلای نوع خود ریا مال نمودیم در مقابل آن عقوبت و جزائی برای ما معین است (چشم اگر بینا بود هر روز روز محشر است) باز هم اگر با وجود این همه وعده و وعید اینهمه اوا مرو تواریخ مسلماتی پیدا میشود که بدزدی - رشوه ستانی - قتل نفس - شهادت دروغ - تولید فتنه و فساد در بین مردم فریب - ریا - ظلم و استبداد و صد ها اعمال تا مشروع و ناپاک دیگر برادرت می نماید و از روز باز پرس نمیترسد - آیا به قضاوت فردای تاریخ چه قدر و قیمتی قایل خواهد شد؟ در دیوار یکی از ادارات ملی ما بخط جلی نوشته بودند (هر که در این جا رشوه می ستاند شرفش در خطر است - هر که رشوه میدهد شرفش در خطر است - و هر که بر ماورین این دستگاه پناک شهت رشوه ستانی می بندد شرف بقیه در صفحه ۲

شاغلی محمد رحیم خان هاشمی وکیل
کلنگار در شورایملمسی

مکتوب وارده •
محترمه قمرآز بارآته کابل
تمنا از خواهران محترمه

روزگار ما !!

این خادم دین و دولت و ملت که در جمله وگلا شورایملمسی دو سال پسر بردم از هر زبان صدائی و از هر کله ندائی بی شترمولی با مشاهده سیر روزگار باز هم شکر می گویم که مبادا از بد بد تر شود. بدین مقدس اسلام و پادشاه مسلمان خود فخر و شکر کرده و باید از ممالک همجوار خود عبرت بگیریم. اول عقب سال ۱۳۲۹ وگلا شورایملمسی رخصت یابو طان خود ها گردیده ولی نتیجه که رفاه ملت و یا مفاد دولت ازان متصور باشد ندیدم خریداری غله که یک تکلیف شاقه و کمر شکن در ملت است و قوم را مجبور خواهد ساخت که زمین های خود را واگذار شوند از دو سال باینطرف در بیگاری زیر بحث بوده و تاکنون نتیجه نداده است. بیگاری که از نقطه نظر قانون اساسی ممنوع بوده و در اثر شکایات و کلا تصویب جدیدی در آن پاره شده و برادریو اخبار ها نشر شد ولی همیشه ۱۵ روز از تصویب شورا گذشت همان مثل را بچشم سردیدم که شنیده بودم که شاه بی بخشدو شاه قلی بی در اطراف همان بیگاری خرها از ریگه پاره بیخرها بازتیمیل های خمچه دار. از پشت شان بو آیس های خوش رفتار (؟) در قریه ها قطار و بدست شان ... سا حواله بیگاریو بزبان شان این گفتار که زود زود بکنید کار و بکشید خروس های تاجدار ۰۰۰ ما از که بمالیم و از خرابی کدام کار داد بزتم مامورین ما از مملکت خارج نیستند ما از کدام عزیز و قوم خود شکوه کنیم و از ستم کدام برادر خود فریاد زنیم وزیرها. رئیسها. والی هاو حاکم ها برادران ماو قاضی ها و مفتی ها همیشه و ملا امام مایندگویا از ماست که بر ما است. در حالیکه ما حکومت و ماموریت های گوناگون را از پول حلال پرشوت میگیریم و در عوض غناز مال ملت بیچاره و از بیعت المال بصورت رنگارنگ جبر و ظلم اورشوت و تحفه گویا بی ستانم پس طبیعتا تواز کار دزد و من از مزد دزد و کجا خیر ماند میان دو دزد. ما در هیچ رشته خود باستثنای ابد است و ناگولته طیبی که چند نفر داکتر کشیده است استفاده ندیده ایم و حسب الحال ما این گفته های خیام است که :
دو شر ما عقل در سخن بودم + کشف شد بردم سوالی چند
گفتمش چیست زندگانی ما + گفت خواهیست یا خیالی چند
گفتم اهل زمانه در چه فتنند + گفت در جمع مالی چند
گفتم اهل ستم چه طایفه اند + گفت گرگ و سگ و شغالی چند

طوری که همگان مسوقند جریده شریفه تداؤ خلق از بدو نشر تا کنون با یک عالم بی مضاعفی و مشکلات عدیده سعی میکند تا آلام و مصائب هر فرد درد مند و مستمند ملت را به سهله نشرات بی آلا و شو خالی از هر گره شایه خود التهام بخشد. با آنکه گفتار حقیقت شان بعضی •• ملی و جنگیز صفتان را مستوره آورده ولی توقع میرفت که مردان وطنخواه که در هر بزم داد نوع پروری داده و هی از اینبار و قربانی در راه حصول کام دل میلا فیدند همیشه ای معاوت و استمداد گردیده و دیگران را نیز تشویق و ترغیب خواهند شاقه و کمر شکن در ملت است و قوم را مجبور خواهد ساخت که زمین های خود را واگذار شوند از دو سال باینطرف در بیگاری زیر بحث بوده و تاکنون نتیجه نداده است. بیگاری که از نقطه نظر قانون اساسی ممنوع بوده و در اثر شکایات و کلا تصویب جدیدی در آن پاره شده و برادریو اخبار ها نشر شد ولی همیشه ۱۵ روز از تصویب شورا گذشت همان مثل را بچشم سردیدم که شنیده بودم که شاه بی بخشدو شاه قلی بی در اطراف همان بیگاری خرها از ریگه پاره بیخرها بازتیمیل های خمچه دار. از پشت شان بو آیس های خوش رفتار (؟) در قریه ها قطار و بدست شان ... سا حواله بیگاریو بزبان شان این گفتار که زود زود بکنید کار و بکشید خروس های تاجدار ۰۰۰ ما از که بمالیم و از خرابی کدام کار داد بزتم مامورین ما از مملکت خارج نیستند ما از کدام عزیز و قوم خود شکوه کنیم و از ستم کدام برادر خود فریاد زنیم وزیرها. رئیسها. والی هاو حاکم ها برادران ماو قاضی ها و مفتی ها همیشه و ملا امام مایندگویا از ماست که بر ما است. در حالیکه ما حکومت و ماموریت های گوناگون را از پول حلال پرشوت میگیریم و در عوض غناز مال ملت بیچاره و از بیعت المال بصورت رنگارنگ جبر و ظلم اورشوت و تحفه گویا بی ستانم پس طبیعتا تواز کار دزد و من از مزد دزد و کجا خیر ماند میان دو دزد. ما در هیچ رشته خود باستثنای ابد است و ناگولته طیبی که چند نفر داکتر کشیده است استفاده ندیده ایم و حسب الحال ما این گفته های خیام است که :
دو شر ما عقل در سخن بودم + کشف شد بردم سوالی چند
گفتمش چیست زندگانی ما + گفت خواهیست یا خیالی چند
گفتم اهل زمانه در چه فتنند + گفت در جمع مالی چند
گفتم اهل ستم چه طایفه اند + گفت گرگ و سگ و شغالی چند

مفهوم دیگری ندارد (ما حساب ماضی را بحکومت خلق که تشکیل شدنی است نیز حواله نموده بودیم مطمئن باشید اداره

محترمه میرمن عابده فاروقی

تاله * بیمار

تهریک و تهنیت میگویم که آقای محمودی در حالیکه نماینده گی این ملت فقیر و بیثوار در شورایی دارند و تاجاشیکه اطلاع دارم مردوار از حقوق ما دفاع میکنند ولو نتیجه نمیدهد -

اکثرون بحیث یک طبیب برای علاج درد های اجتماعی خلق کمر همت بسته و خواسته اند آلام اجتماعی مارا که نزدیک است گلیم هستی ما را جمع سازد تدای نمایند - اما همه اشخاص که بصیرت داشته و حال زار و بد بختی عمومی خلق را مشاهده میکنند خوب میدانند که ما چه حال داریم - دیروز سلطنت در زیر استبداد بصورت عمومی شکل مخمسی داشت ولی امروز رنگ دار المساکین و دارالمجزه را بخود گرفته است - اما با هم چندی قبل مطاقان و دکوران داخلی و خارجی با یکجهان طعنه و آب و رنگ همه بیاس روز صحت کفرا تسهاتی داده و صایاتی نمودند که شاید عده بسیار و بسیار محدودی در مملکت ان را بفهمند و یا توان عملی ساختن ان را داشته باشند آیا یک ملت مریض که در تمام مملکت برای ۱۲ میلیون نفوس ۱۲ بستره برای مادر ها و شاید ۵۰۰ الی ۶۰۰ بستره برای تمام امراض عمومی و گوناگون و صرف چند صد نفر داکتر و آتیم در نقاط محدود داشته باشد در حالیکه هزاران نفر ناتوان و فقیر توان دادن فیس داکتر و خرید دوا را ندارد و بهزاران مرتب اجتماعی گرفتار است حق دارد بیام روز صحت بهازد و افتخار کند *

گفته های خلق -

آقای میر اسمعیل خان نجیبی جوانان را ستوده و ان ها را دشمن استبداد - جاسوس - تملق - بوع پاک و مبارز حقوق خلق دانسته و امید وار اند که روزی مملکت در سایه فداکاری شان ترقی نماید (اداره خلق نیز امید وار است که همه جوانان اقلا به تبع سیاست روز افکار سیاه دیروزی و خوف و دهنست خویش را که زاده استبداد و مظالم دیروزی است ترک گفته و اقلا در فدا کاری مطابق آخرین مود جهان برای منافع خلق صرف

مساعی نموده و حسن ظن شاغلی میر اسمعیل خان مسرور نجیبی را احترام نمایند *

شاغلی م * که معتقدند ملت افغان دارای استمداد های بزرگ فطری بوده و فقط در اثر عدم تربیه و فشار و مظالم سیاست استعماری و استبدادی سیاه روز گشته اند میتوانند با تشکیل یک حزب ملی و آزاد و در نتیجه با تشکیل حکومت خلق قدرتی و شرافت ملی خود را دوباره اکتساب و بهر ق افتخار ملی را بدستیا ببلند سازند و درخواست میکنند که ما را با خلق و روگرام یک حزب ملی

شاغلی عبد الکریم خان سرکاتب

چه باید کرد ؟؟

در یک حکومت دیمو کراسی حق حکومت مربوط به خلق بوده و تمثال عالی ترین این اقتدار عبارت از تشکیل قوه تقنینیه و اجرائیه از طرف وکلاء ملت است - وکلا باید مزین بصفتی باشد که از لسان مبارک حضرت علی (رض) در تهنج الهیلاغه روایت شده است (ای جان کاخ زنده گی چهار پایه استوار است و این چهار پایه را هم آدمی زادگان تشکیل داده است و نخست عالمیکه بحلم خود عمل نموده قوم را رهمنوئسی کند - دوم نادانی که بنادانی خود معترف بوده ولی از روشن ضمیران استفاده نماید - سوم مشمولیکه بیثوایان را دستگیری کند - چهارم تیوه بختی که فقر را با صبر و لبخند سهری نموده و لکه گدائی را بر دامان خود روا ندارد - هر که ازین چهار دسته مردم نباشد از جاده انسانیت سخت بدور است - ای کاش جامعه ما ازین خود این گونه افراد را جستجو و کالت خود انتخاب نمایند - اما چه باید کرد در اکثر حکومت های اطراف افراد توده از آزادی محرومند و این حق بزرگ هزاران نفر را فقط و فقط قریه داران امسی و غیر ای گرفته و در وقت انتخاب بحضور حاکم حق هزاران نفر را تلف و شخص را وکیل ملت انتخاب مینمایند که صاحب رسوخ بوده و جنگال بهرحماش اش از خون یتیمان و بیوه زنان رنگین باشد و قدسی در راه علم و حقوق شناسی - نور داشته باشد و اگر در کمرس وکالت از هدف ملت و علت وکالت و دیمو کراسی از اوسوال نمایند کلبه جواب داده نتوانند - در جای که قانون اساسی انتخابات وجود نداشته باشد طبعمادیمو کراسی مفهومی ندارد ما جدا از حکومت و شورایی تقاضا مینمائیم که برای انتخابات آینده یک قانون درست از انتخابات تدوین و بدسترس مردم بگد آرند تا خلق بتواند بازادی نمایندگان حقیقی خود را انتخاب و برای آلام اجتماعی خود جاره سنجی نمایند *

سلوک م - شاغلی خسته

بمدعی نتوان گفت حرف را زود تراز * هزار مرحله دور از حقیقتست مجاز میاک گوشه گد آریم بر صریر قلم * که از کجاست بد یگونه دلشین آواز سلوک ما که در روح نا امید نیست * دلی همیطلبد محرم حریم هجاز فرصتی که رسی در مقام خود بینی * متاع گشده خویش را بیایی باز تو از برای بقائی مباشر محو فنا * برونک شمع درین انجمن بسوزو گد از اساس هستی ما خسته نفی و اثباتست * برای همت و اخلا صر سرفرازیناز * رانشرو آنها را بجمع شدن بدور یک مقوره دعوت دهیم - (ما هم بتقاضای شاغلی م * ر و سایر دوستان بزودی خلق را دعوت خواهیم داد که با اساس دیمو کراسی یک حزب ملی را تشکیل کنند)

مکتوب هلال احمر

طوری که در شماره اول جریده نداء خلق خوانندم بستون ۲ صفحه ۴ جریده موصوف سطری چند اشاعه یافته - شاغلی عبد الرب خان می گوید در سال ۱۳۲۷ راجع به جلوگیری سیلاب کوه شیر دروازه از منابع با صلاحیت تجویزی اتخاذ و یک مبلغ هنگفتی بمقصد اغنارو آمادی مواضع سیلاب برده گئی مشخص شده در حالیکه از موضوع دو سال سهری میشود فهمیده شد که این اعتبارات بکدام صندوق قهد مانده و یا بکدام مدرک دیگر خرج شده .

در اثر این سوالیه که بگرفتن جواب هم انتظار دارند تاجای که موضوع بحدیریت عمومی هلال احمر متعلق و معلوم بروده به تفصیل اتی وضاحت داده میشود :

شکی نیست که در اوایل ۱۳۲۷ سیلابی از دامنه کوه شیر دروازه بر وقوع پیروسته باثر ان بعضر اهالی گذر قاضی فیض اله خان و چقرک درخت شنگه - سنگه کهرها خساره مند شده ینناز مقامات صالحه برای تمصیت دیده گان حادثه سیلاب مذکور یک مشت پول از دارائی هلال احمر تخصیص داده شد که پس از میزوی و بر آورد یک اندازه آن مستحقین تا دیده و حصه باقیمانده ان برای انسداد رو سیلاب مذکور منظور و امر تکمیل ان پروژهات فواید عامه موکول گردید پول مذکور بحساب مرهوطه بمعرض مصرف کار سازی هم شده بود . گرچه وزارت فواید عامه بملا حظه اینکه وقوع سیلاب و خطر ان تنها بحصه گذر قاضی فیض اله خان محدود نبوده همچو خطر بمصوم خانه ها و عماراتی که بدامنه کوه شیر دروازه و کوه - آسمانی واقع است متصور بوده نصب العین داشته که تماما مواضع مذکور تو سط شاخصان فنی سروری و نقشه و بر آورد و ترتیباتی اتخاذ شود - معذالک چون انسداد عموما حصه جات مذکور خالی از مشکلات نبوده مطابق امر واصله عجالتا تنها بانسداد مجرای سیلاب گذر قاضی فیض اله خان اقدام و ترتیباتی اتخاذ نموده بالنتیجه درین قسمت هم در اجراء وزارت فواید عامه مشکلات واقع گردیده یعنی در صورت جلوگیری از سیلاب مواضع مذکور قبرستان ها زیر کانال جدید واقع میشد بدون دور کردن قبرستان دیگر چاره نبوده اهالی بخراب نمودن و پامال شدن قبرستان های خویش رضایت نداده به اساس عدم رضایت اهالی که اسناد شان بشمبه مرهوطه وزارت فواید عامه موجود است اعتبارات بر وجه وی هلال احمر که نظر بمقررات اساسی هلال احمر صرف ان امور خمیره بوده از مناصبیکه با اجرای این کار مزوظف بوده دو باره بحساب جاری هلال احمر انتقال داده شده که عند الوقع بموارد حقیقی و اساسی ان صرف خواهد شد .

این بود خلاصه موضوع که به تفصیل فوق بمعرض مزید معلومات شاغلی عبد الرب خان تحریر شد بمقتضی بقناع شان خواهد افزود اگر با آنها قانع نبوده اشتباهی داشته باشند بهتر است سوابق موضوع را بمدریت عمومی هلال احمر و بهاشمبه سرک های وزارت فواید عامه از نزدیک نگاه کنند در ان وقت بصورت عین الیقین تصدیق خواهند فرمود که در زمینه بایک اهتمام کامل رسیدگی شده است ولی بعلت معذرت مند کره مسئله انسداد مجرای سیلاب مذکور جاه عملی را در بر نتوانست خواهش مند است بمدریت جریده نداء خلق مراتب فوق را بینه بمعرض مزید معلومات شاغلی موصوف یکی از شماره های خویش درج نماید مطبوعه - گسترش شخص نداء خلق - کابل



آمر - فهمیدی امروز رشوت منع است !
خدمتگار - قربان باو تفری های دیورزه که پول آورده بو دند چه بگویم ؟

آمر - احمق لوده گفتم که واره بگو که بعد ازی بخانه بماند بقیه سر مقاله ۰۰۰ و منافع و راحت شخص خود را درست دارد - فقط عاملی که خلق را در دنیا بسوی کار و فعالیت سوق داده و موجب انکشاف قدرت های خفی ان ها کشته و اختراعات خارقه را سبب میشود همانا عبارت از تشویق و مکافات و عاملی که از مفاسد اخلاقی جلوگیری میکند عبارت از قانون مجازات است - ما تقریبا فاقد این قانون بوده و اقلا از کمائیکه از مدارک مجهول صاحب قصور و باغ و اسباب بانک و مؤثر های لو کس گشته اند تمیز سم که باچه نوع کرامات و باساس کدام فن توانسته است از یک معاشیکه ده روزه مخارجش را کفایت نمیکند اینهمه جاه و حشم را تولید نماید - اگر گاهگاهی هم از مکافات و مجازات در روزنامه های رسمی دولت حرفی بمیان بی آید عموما مکافات مرهوطه به بزرگان و مجازات مرهوطه بزمیر دستان است - آیا قابل باور است که اشخاصیکه از سی سال باینطرف مقدرات ما را بدست دارند اقلا سهوا تیز مرتکب عملی نشده باشند که مورد کدام جزای کوچکی قرار گیرند ؟ حال آنکه تکامل مطلقه و تنزه از عیب و خطای برای بشر امکان نداشته و ما بچشم سر می بینیم که پلان های ما (؟؟) تا کام شده و نتیجه نداده روز بروز احوال ما بدتر شده - مردمیکه دیورزه بهبامه چه داشتند امروز برهنه و فقیر گشته اما هیچ کس مسئول نبوده و مستحق کوچکترین جزا حساب نمیشود و اگر بخاک پای یک - بزرگواریکه هزاران خطا کرده و عدا و یا سهوا و یا در اثر عدم ادراک و سهوا بشیر میلیون ها پول بملکت خساره رساننده کوچک ترین تجاوزی بمصلحت آیند شریک ستاخیز بر او میگردد - ولی ما بجزرت میگوئیم که سمدات قوم مرهوطه بقانون مکافات و مجازات است - اعتذار - مقاله آقای محترم موصوفی در شماره آینده (نمودی)